

## بررسی نقش دانش کمیته حسابرسی در پرهیز مالیاتی با توجه به راهبردهای شرکتی

دولت زیدانلو

کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی حکیم نظامی، قوچان، ایران. (نویسنده مسئول).

dolatzeidanlo@gmail.com

رضا حشمتی

کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی حکیم نظامی، قوچان، ایران.

rezaheshmati8495@gmail.com

### چکیده

این پژوهش به بررسی نقش دانش کمیته حسابرسی در پرهیز مالیاتی با توجه به راهبردهای شرکتی در بین شرکت های بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. در این پژوهش کاربردی، توصیفی-همبستگی از شیوه پس رویدادی استفاده شده است. بررسی متغیرهای پژوهش نیز با استفاده از اطلاعات صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شد. دوره زمانی مطالعه شامل سال های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ و نمونه برگزیده به روش جامعه در دسترس، متشکل از ۱۹۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب گردید. در طبقه بندی داده های گردآوری شده از نرم افزار اکسل و در بررسی آزمون فرضیه های پژوهش از رگرسیون چندگانه در نرم افزار R استفاده شده است. بر اساس تحلیل آماری نتایج در سطح خطای پنج درصد نشان داد: بین دانش مالی کمیته حسابرسی و پرهیز مالیاتی رابطه معنی داری وجود دارد. راهبردهای شرکت در رابطه بین دانش مالی کمیته حسابرسی و پرهیز مالیاتی تاثیر معنی داری دارد.

**کلید واژه ها:** دانش کمیته حسابرسی، پرهیز مالیاتی، راهبردهای شرکتی.

### مقدمه

در ادبیات پیشین سلمورد<sup>۱</sup> (۲۰۰۴)، بیان می کند که سطح بهینه اجتناب/برنامه ریزی مالیاتی برای هر شرکت وجود دارد تا سود و هزینه خود را در راستای حداکثرسازی ارزش سهامدار، متعادل کند. کوک و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۷)، شواهد تجربی در این راستا ارائه کرده و رابطه مثبتی بین انحراف سطح پرهیز مالیاتی شرکت از انتظارات سرمایه گذار (در هر جهت) و هزینه سرمایه گذشته نگر شرکت، ارائه کرده اند. اطلاعات کمی در مورد عوامل محرک سطح بهینه پرهیز مالیاتی یا علت تفاوت شرکت ها در اجتناب از گزارشگری و برنامه ریزی مالیات وجود دارد (هانلون و هیتمن، ۲۰۱۰). درحالی که اکثر سوابق تحقیقی بروی ویژگی های سطح شرکت مرتبط با پرهیز مالیاتی تمرکز کرده اند، چندین مطالعه به پرهیز مالیاتی در بستر نمایندگی با استفاده از داده های کشورهای مختلف جهان پرداخته، که برخی نقش ابعاد حاکمیت شرکتی مختلف را بعنوان عوامل تعیین کننده مورد بررسی قرار داده اند.

هیئت مدیران یکی از مولفه های مهم در پرهیز مالیاتی است که در تحقیقات گذشته کمتر مورد توجه قرار گرفته است. طبق چشم انداز نظریه نمایندگی، هیئت مدیران نقش اساسی در ایجاد و حفظ راهبردهای کسب و کار شرکت، انتخاب و پاداش

<sup>1</sup> Slemrod

<sup>2</sup> Cook et al

مدیران اجرایی، نظارت بر تصمیمات مدیران اجرایی به منظور حداکثرسازی سهامدار، ایفا می‌کنند (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). تا به امروز مطالعات تجربی بروی نظارت هیئت مدیره بعنوان ابزاری جهت کاهش مسائل نمایندگی تمرکز کرده اند. بعنوان مثال، چندین مطالعه ویژگی‌های هیئت مدیره را با عملکرد مربوط به فعالیت‌های خاص شرکتی ربط داده که در آن احتمال وقوع تضادهای نمایندگی زیاد است. دیدگاه این تحقیق نسبت به هیئت مدیران با برجسته کردن این موضوع توسعه داده شده است که هیئت مدیران دو نقش ناظر و مشاور مدیریت را دارند و مشاوره تخصصی و کارشناسی از طریق کمیته حسابرسی در اختیار مدیران قرار می‌گیرد تا مدیران به پیامدها و نتایج بهینه دست یابند و در عین حال اقدامات مدیریتی که نفعی برای سهامداران ندارد را محدود می‌نمایند. در بخش بعدی به تشریح بیان مسئله و اهمیت موضوع بر اساس ادبیات موجود پرداخته خواهد شد.

### پیشینه تحقیق

کمیته‌های حسابرسی نقش حیاتی را در برنامه ریزی مالیات شرکت و فرآیندهای مدیریت ریسک مالیات ایفا می‌کنند (ریچاردسون و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). اهمیت کارشناس مالی در کمیته حسابرسی نیز با توجه به تکامل نظارت کمیته حسابرسی برای لحاظ کردن مسائل مالیاتی، تکنولوژی اطلاعاتی و جهانی سازی افزایش یافته و هر کدام پیچیدگی‌ها و ریسک‌های خود را بدنبال دارند (هسو و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸).

در مطالعات پیشین، رایبسون و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۲)، تاثیر پرهیز مالیاتی کارشناس مالی را بر کمیته حسابرسی بررسی نموده و رابطه مثبتی بین کارشناس مالی و سطح پرهیز مالیاتی یافته (سازگار با نقش مشاوره ای مدیران) اما رابطه منفی بین کارشناس مالی و بکارگیری از راهبردهای برنامه ریزی مالیات ریسکی بدست آورده است (سازگار با نقش نظارتی مدیران). از این یافته‌ها برداشت می‌شود که میزان تفاوت بکارگیری اعضاء هیئت مدیره بخصوص کمیته حسابرسی از این نقش‌ها مبتنی بر عوامل بستری یا شرایط بستری مثل پروفایل راهبردهای شرکت می‌باشد. این سوال بررسی می‌شود و در نتیجه به درک بهتر این موضوع کمک می‌شود که چگونه اعضاء هیئت مدیره بر فرآیند برنامه‌ریزی مالیات شرکت نظارت می‌کنند؟

مطالعات پیشین نشان داده اند که سطح بهینه پرهیز مالیاتی برای هر شرکت وجود دارد که منجر به حداکثرسازی ارزش شرکت می‌گردد (ارمسترانگ و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵). شواهد تجربی اخیر توسط کوک و همکاران (۲۰۱۷)، از این استدلال پشتیبانی می‌کند؛ آن‌ها دریافتند که هزینه سرمایه گذشته نگر شرکت با میزان انحراف سطح پرهیز مالیاتی از انتظارات سرمایه گذار در هر جهتی که باشد، افزایش می‌یابد. از چشم انداز نظریه نمایندگی، در نبود همترازی تشویقی قوی و یا نظارت، مدیریت اقدام به پرهیز مالیاتی کمتر یا بیشتری می‌کنند تا بتوانند ارزش سهامدار خود را به حداکثر برسانند (رگو و ویلسون<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲). آدامس و فریرا<sup>۷</sup> (۲۰۰۷)، هیئت مدیره را دارای نقش دوگانه ناظر و مشاور مدیریت می‌داند، که در عین محدود کردن اقدامات مدیران تا جایی که به سهامداران نفع نمی‌رساند، مشاوره کارشناسی نیز در اختیار مدیران قرار می‌دهند.

<sup>1</sup> Fama and Jensen

<sup>2</sup> Richardson, et al.

<sup>3</sup> Hsu, et al.

<sup>4</sup> Robinson et al.

<sup>5</sup> Armstrong et al

<sup>6</sup> Rego and Wilson

<sup>7</sup> Adams and Ferreira

شواهد بهم آمیخته ارتباط دهنده پرهیز مالیاتی با ویژگی‌های هیئت مدیره نشان دهنده حضور هر دو نقش در فرآیند برنامه ریزی مالیات شرکتی است. بعنوان مثال در بستر پرهیز مالیاتی غیرمنطبق، لانیس و ریچاردسون<sup>۱</sup> (۲۰۱۱)، و ریچاردسون و همکاران (۲۰۱۳)، دریافتند که سهم بالاتری از مدیران مستقل در هیئت مدیره رابطه منفی با پرهیز مالیاتی دارد که سازگار با نقش نظارتی می‌باشد. با این وجود مینیک و ناگو<sup>۲</sup> (۲۰۱۰)، رابطه ای بین استقلال هیئت مدیره و نرخ مالیات موثر نقدی نیافته، بلکه رابطه منفی بین حساسیت عملکرد پرداخت مدیر را یافته که انعکاس دهنده نقش مشاوره ای در سطح معینی است. اخیراً آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۵)، دریافتند که هیئت مدیران مستقل تر و پیچیده تر بنظر تشویق به موقعیت پرهیز مالیاتی بیشتر (کمتر) برای شرکت‌های حاضر در کران پایین تر (بالا تر) زنجیره پرهیز مالیاتی می‌کنند، که سازگار با هر دو نقش است.

همانطور که قبلاً گفته شد، رایبسون و همکاران (۲۰۱۲)، شواهدی یافته اند که نقش مشاوره ای و نظارتی اعضاء هیئت مدیره را در تاثیرگذاری بر پرهیز مالیاتی شرکت نشان می‌دهد، بخصوص آن‌هایی که دارای کمیته حسابرسی همراه با کارشناس مالی با تخصص حسابداری می‌باشند. شواهد آن‌ها مبتنی بر اینکه تخصص حسابداری در کمیته حسابرسی برای فرآیند برنامه ریزی مالیات بسیار اهمیت دارد، سازگار با افزایش نقش کمیته حسابرسی در مدیریت ریسک مالیات و افزایش اهمیت تخصص مالی در بخشی از اعضاء کمیته حسابرسی به سبب ریسک‌های مرتبط با حوزه‌های نوظهور نظارت کمیته حسابرسی می‌باشد (مثل مسائل مالیاتی، تکنولوژی اطلاعات و جهانی سازی) (دلوتی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴). با توجه به پیچیدگی پیرامون مسائل مالیات، اعضاء کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی در واقع جایگاه منحصر بفردی برای نظارت و مشاوره به تصمیمات مدیران اجرایی درباره فعالیت‌های برنامه ریزی مالیات شرکت و ریسک‌های مرتبط دارند. مشابه با پژوهش رایبسون و همکاران (۲۰۱۲)، و هسو و همکاران (۲۰۱۸)، پژوهش حاضر درصدد بررسی این موضوع است که چگونه اعضاء کمیته حسابرسی، بخصوص کارشناسان مالی، نقش‌های نظارتی و مشاوره خود (نقش دوگانه) را با توجه به برنامه ریزی مالیات عملی می‌سازند؟ با این وجود مطالعه حاضر متفاوت از مطالعه آن محققان است، زیرا در این بررسی به این موضوع پرداخته خواهد شد که چگونه راهبردهای کسب و کار شرکت مشروط بر اعضاء کمیته حسابرسی کارشناس مالی برای تحقق متناسب نقش‌هایشان می‌باشد؟

مایلز و همکاران<sup>۴</sup> (۱۹۷۸)، تکنیکی برای چهار نوع کسب و کار ارائه کرده اند که عبارتند از: مدافعان، تحلیل گران، آینده نگران، و واکنش گران؛ هر یک رویکردهای مختلفی برای رقابت در بازار و تمایل به نوآوری و ریسک پذیری دارند. هیگینز و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۵)، رابطه بین پرهیز مالیاتی و نوع راهبردهای شرکت را بررسی نموده و دریافتند که آینده نگران (ریسک پذیری بیشتر) تمایل به پرهیز مالیاتی بیشتر داشته و این کار را ریسکی تر و غیرقطعی تر در قیاس با مدافعان (ریسک گریزان) انجام می‌دهند. این یافته‌ها طبق انتظار نشان می‌دهد که ویژگی‌های متفاوت هر نوع راهبردی مثل تمرکز راهبردی، تحمل ریسک و ساختار سازمانی، بر شیوه ارزیابی هزینه‌ها و مزیت‌های برنامه ریزی مالیات توسط مدیران، تاثیر می‌گذارد. هیئت مدیران، که کمیته حسابرسی زیر مجموعه آن است، نقش کلیدی در ایجاد و حفظ راهبرد کسب و کار شرکت و اساس تصمیم گیری مدیریت دارد. هیئت مدیریت تا حدودی از طریق پیاده سازی سیستم‌های کنترل تصمیم که بر اساس راهبردهای کسب و کار شرکت انتخاب شده و از طریق مشاوره، نظارت و ارزیابی تصمیمات مدیران در سطح کمیته به این هدف می‌رسند (هسو و همکاران، ۲۰۱۸). در ساختار کمیته، اعضاء هیئت مدیره مهارت‌ها و تخصص‌های خود را با درک عملیات‌ها و راهبردهای شرکت تلفیق نموده و تخصص خود را در ارزیابی مدیران اجرایی یا ارائه توصیه در مورد مسائل

<sup>1</sup> Lanis and Richardson

<sup>2</sup> Minnick and Noga

<sup>3</sup> Deloitte

<sup>4</sup> Miles, et al.

<sup>5</sup> Higgins et al

خاص شرکت در حوزه کمیته، بکار می‌گیرند. بنابراین انتظار می‌رود که اعضاء کمیته حسابرسی کارشناس مالی، مهارت‌ها و تخصص خود را با آگاهی راهبردهای کسب و کار شرکت در اجرای نقش‌های مشاوره‌ای و نظارتی خود پیرامون مسائل مرتبط با نظارت کمیته حسابرسی نظیر برنامه ریزی مالیات، تلفیق نمایند. مطابقاً فرضیه کلی ما این است که کارشناسان مالی در کمیته حسابرسی به احتمال فراوان با ظرفیت مشاوره‌ای خود در فرآیند برنامه ریزی مالیات برای شرکت‌های مدافع و با ظرفیت نظارتی خود در فرآیند برنامه ریزی مالیات برای شرکت‌های آینده نگر، عمل می‌کنند. هسو و همکاران (۲۰۱۸)، دریافته‌اند که کارشناس مالی در کمیته حسابرسی رابطه مثبتی با فعالیت پرهیز مالیاتی برای شرکت‌های نوع مدافع در برخی موارد (مثل نرخ مالیات موثر نقدی) و رابطه کارشناس مالی بر کمیته حسابرسی و پرهیز مالیاتی بصورت معنی دار برای شرکت‌های نوع آینده نگر، در قیاس با شرکت‌های نوع مدافع، منفی بوده است. در نهایت، درحالی‌که اثرات کارشناسان مالی حسابداری بنظر در میان معیارهای پرهیز مالیاتی شایع تر است، اما وقتی مستقیماً مورد مقایسه قرار گرفته اند، بر کارشناسان مالی حسابداری غالب نبوده اند. مطالعه حاضر به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا نقش‌های مشاوران هیئت مدیران با توجه به راهبردهای کسب و کار شرکت در بستر پرهیز مالیاتی تفاوتی می‌کند یا خیر؟ بخصوص بررسی می‌شود که چگونه دانش مالی در کمیته حسابرسی و نوع راهبردهای شرکت تعامل داشته و بر فعالیت‌های برنامه ریزی مالیات شرکت تاثیر می‌گذارند؟

### فرضیه تحقیق

- ✓ فرضیه ۱: بین دانش مالی کمیته حسابرسی و پرهیز مالیاتی رابطه معنی داری وجود دارد.
  - ✓ فرضیه ۲: راهبردهای شرکت در رابطه بین دانش مالی کمیته حسابرسی و پرهیز مالیاتی تاثیر معنی داری دارد.
- به علت گستردگی حجم جامعه آماری و وجود برخی ناهماهنگی‌ها میان اعضا جامعه، شرکت‌های قلمرو زمانی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ که دارای ویژگی‌ها و شرایط زیر می‌باشند به عنوان جامعه آماری در دسترس در نظر گرفته شده است. با توجه به محدود بودن جامعه آماری شرکت‌های در بورس اوراق بهادار تهران و در نظر گرفتن شرایط اعمال شده، جامعه در دسترس به طور کامل به عنوان نمونه آماری به منظور رسیدن به بیشترین مشاهدات جهت تجزیه و تحلیل آماری، انتخاب می‌گردد.
- ✓ طی سال‌های مورد مطالعه تحقیق نماد معاملاتی آن‌ها از تابلوی بورس خارج نشده باشد.
  - ✓ شرکت‌های مورد مطالعه نایستی سال مالی و فعالیت خود را طی دوره‌های مورد نظر تغییر داده باشند.
  - ✓ اطلاعات مالی مورد نیاز، به خصوص یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی در دسترس باشد.
  - ✓ شرکت‌ها دارای فعالیت در زمینه سرمایه‌گذاری، بانکی، صندوق‌ها و بیمه‌ها و غیره نباشند.
  - ✓ شرکت‌ها دارای فعالیت غیرتولیدی مانند حمل و نقل، بازرگانی، خدماتی و غیره نباشند.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر دسته بندی تحقیق بر حسب نحوه گردآوری داده‌ها از نوع علی و پس رویدادی می‌باشد. همچنین با توجه به تقسیم‌بندی تحقیقات از نظر هدف، پژوهش حاضر از نوع کاربردی است. روش تحقیق، همبستگی می‌باشد، یعنی بررسی وجود رابطه و همبستگی بین متغیرها از طریق رگرسیون، و روش‌شناسی تحقیق از نوع پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) می‌باشد. در این تحقیق از روش رگرسیون چند متغیره به عنوان روش آماری استفاده می‌شود. در روش رگرسیون، هدف اصلی این است که بررسی کنیم آیا بین متغیرهای وابسته و بین متغیرهای مستقل تحقیق رابطه‌ای وجود دارد یا خیر. همچنین تحلیل داده‌ها در بخش آمار توصیفی با محاسبه شاخص‌های مرکزی از جمله میانگین، میانه و

شاخص‌های پراکندگی انحراف معیار چولگی و کشیدگی چولگی شروع خواهد شد. ضریب همبستگی پیرسن میان متغیرهای تحقیق نیز بررسی می‌شود. ضرایب متغیرهای مدل رگرسیونی با استفاده از آزمون t استیودنت، آزمون می‌گردد. در این تحقیق برای آزمون معناداری کلی مدل رگرسیون برازش شده از آماره فیشرف (F) در سطح ۹۵ درصد اطمینان و همچنین برای آزمون عدم وجود همبستگی بین خطاهای مدل از آزمون دوربین - واتسون استفاده می‌شود، در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌ها از داده‌های ترکیبی استفاده خواهد شد. در روش داده‌های ترکیبی برای انتخاب بین روش‌های پانل و پولینگ از آزمون چاو استفاده می‌شود. در صورت انتخاب روش پانل، آزمون هاسمن برای انتخاب از بین روش‌های تأثیرات ثابت و تأثیرات تصادفی انجام می‌شود.

## پیشینه تحقیق

### بسط نظری فرضیه‌ها

برنامه ریزی مالیات بستر جالب توجهی است که در آن مطالعه هیئت مدیران در بستر پژوهش‌هایی همچون سلمورد (۲۰۰۴)، و کوک و همکاران (۲۰۱۷)، نشان داده شده است که مدیران از چشم انداز سهامداران کم و بیش اقدام به پرهیز مالیاتی نسبت به سطح بهینه می‌کنند. از یک سو، مدیران ریسک‌گریز ممکن است از فعالیت‌های پرهیز مالیاتی دوری‌گزینند که شامل عدم قطعیت قابل توجهی است، حتی اگر انتظار برود که فعالیت‌ها منجر به تولید مزیت‌های خالص برای سهامداران می‌گردد (رگو و ویلسون، ۲۰۱۲). از سوی دیگر، مدیران ممکن است اقدام به فعالیت‌های پرهیز مالیاتی پیچیده و ریسکی نمایند، که بعنوان ابزاری برای تسهیل و یا پنهان کردن استخراج مزیت‌های شخصی خواهد بود (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۶). مطابقاً، تا جایی که هیئت مدیران نقشی در اجتناب/برنامه ریزی مالیات ایفا می‌کنند، این یک سوال تجربی است که آیا نقش نظارت یا مشاوره بصورت میانگین نقش غالبی است یا خیر؟

شواهد تجربی پیرامون این مسئله بنوعی بهم آمیختگی دارد. در بستر پرهیز مالیاتی غیرمنطبق در میان شرکت‌های استرالیایی، لانیس و ریچاردسون (۲۰۱۱)، و ریچاردسون و همکاران (۲۰۱۳)، دریافتند که سهم بالاتر مدیران مستقل در هیئت مدیره، رابطه منفی با پرهیز مالیاتی دارد که سازگار با نقش نظارتی است. بطور مشابه، با استفاده از نمونه شرکت‌های فنلاندی، استیجورس و نیسکانن<sup>۲</sup> (۲۰۱۴)، دریافتند که حضور مدیران بیرونی در هیئت مدیره باعث محدود شدن و منع پرهیز مالیاتی از سوی مدیران غیرخانوادگی در شرکت‌های خصوصی خانوادگی می‌گردد. از سوی دیگر مور و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۷)، رابطه مثبتی بین استقلال هیئت مدیره و پرهیز مالیاتی با استفاده از شرکت‌های آمریکایی یافته‌اند. درحالی‌که چان و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۳)، و مینیک و ناگو (۲۰۱۰)، رابطه‌ای در بسترهای آمریکایی و چینی نیافته‌اند. چان و همکاران (۲۰۱۳)، شواهدی اضافی را سازگار با نقش مشاوره به‌مراه یافته‌های خود از رابطه مثبت بین پرهیز مالیاتی و درصد سهام تحت اختیار اعضاء هیئت مدیره، ارائه کرده‌اند. ارمسترانگ و همکاران (۲۰۱۵)، شواهدی سازگار با هر دو نقش یافته‌اند؛ هیئت مدیران پیچیده تر و مستقل تر بنظر باعث تشویق جایگاه پرهیز مالیاتی بیشتر (کمتر) برای شرکت‌هایی می‌شود که در قسمت پایینی (بالایی) طیف پرهیز مالیاتی قرار دارند.

در این پژوهش بررسی خواهد شد که چگونه مدیران، بخصوص کارشناسان مالی مستقل، در کمیته حسابرسی نقش نظارتی و مشاوره خود را در حوزه فعالیت‌های پرهیز مالیاتی شرکت، عملی می‌سازند. قانون‌گذاران بر اهمیت کارشناس مالی در

<sup>1</sup> Desai & Dharmapala

<sup>2</sup> Steijvers and Niskanen

<sup>3</sup> Moore et al

<sup>4</sup> Chan et al



کمیته حسابرسی در بستر گزارشگری مالی تاکید کرده اند (کمیته روبان آبی برای بهبود اثربخشی کمیته حسابرسی شرکتی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹؛ هیئت نظارت عمومی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳؛ قانون ساربنس-آکسلی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲). چندین مطالعه اخیر نیز کارشناس مالی در کمیته حسابرسی را با پیامدهای گزارشگری مالی مثل کیفیت اقلام تعهدی، محافظه کاری و اقدامات اجرای آنان مرتبط دانسته اند (دهالیوال و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵). با این وجود، وسعت و میدان فعالیت کمیته حسابرسی در سال‌های اخیر گسترش و شامل حوزه‌هایی همچون مدیریت ریسک، تکنولوژی اطلاعات، و جهانی سازی بوده اند و کمیته حسابرسی حالا دارای نقش مهمی در مدیریت ریسک مالیات محسوب می‌شود (دلوتی، ۲۰۱۴). علاوه بر این، با توجه به توسعه محدوده کمیته حسابرسی و در بر گرفتن این حوزه‌ها، ریسک‌های مرتبط با آن‌ها باعث افزایش ارزش و اهمیت تخصص مالی اعضاء کمیته حسابرسی شده است. مطابقاً و بخصوص در بستر مسائل مالیات پیرامون پیچیده، اعضاء کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی در جایگاه منحصربفردی برای نظارت و ارزیابی فعالیت‌های برنامه ریزی مالیات شرکت‌ها، ریسک‌های مرتبط و متناسب بودن برنامه ریزی مالیات با توجه به راهبردهای کسب و کار شرکت قرار گرفته اند.

در مطالعه رابینسون و همکاران (۲۰۱۲)، تاثیر تخصص مالی کمیته حسابرسی را بر پرهیز مالیاتی از نظر سطح کلی پرهیز مالیاتی و بکارگیری از راهبردهای پرهیز مالیاتی غیرقطعی/ریسکی مورد بررسی قرار داده است. آن‌ها رابطه مثبتی بین سطوح تخصص مالی خاص حسابداری در کمیته حسابرسی و سطوح پرهیز مالیاتی، اما رابط منفی بین سطوح تخصص مالی خاص تخصصی در کمیته حسابرسی و تمایل به راهبردهای برنامه ریزی ریسکی را یافته اند. این نتایج نشان می‌دهد که تخصص مالی در کمیته حسابرسی نقش مشاوره با توجه به برنامه ریزی مالیات، و نقش نظارتی با توجه به سطح ریسک شرکت‌ها در فرآیند برنامه ریزی مالیات، ایفا می‌کند. با این وجود استدلال می‌شود که اعضاء کمیته حسابرسی در نحوه اجرای این نقش‌ها طبق راهبرد سطح شرکت تفاوت دارند، که انعکاس دهنده تحمل ریسک آن‌ها و نحوه سنجش هزینه و مزیت در فرآیندهای تصمیم گیری می‌باشد. در نتیجه، با بررسی نقش‌های مشاوره و نظارتی کارشناسان مالی در کمیته حسابرسی با توجه به برنامه ریزی مالیات در بستر راهبردهای کسب و کار شرکت، به توسعه پیشینه تحقیق کمک خواهد شد.

### پیشینه لاتین

هسو و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۸)، در تحقیق خود به بررسی این موضوع پرداختند که آیا اعضاء کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی، روش خود را متناسب با نظارت فرآیند برنامه ریزی مالیات شرکتی طبق راهبردهای کسب و کار شرکت قرار می‌دهند؟ پیش بینی و یافته‌ها حاکی از این است که این مدیران شرکت‌های مدافع (که ویژگی ریسک‌گریزی شدید دارند) را تشویق به فعالیت‌های پرهیز مالیاتی و شرکت‌های آینده نگر (که ویژگی نوآوری و ریسک‌پذیری دارند) را تشویق به پرهیز مالیاتی می‌کند. همچنین این محققین دریافتند که کارشناسان مالی غیرحسابداری و کارشناسان حسابداری در کمیته حسابرسی تا حدودی در نتایج ما سهم داشته اند، گرچه اثرات کارشناسان مالی غیرحسابداری سازگارتر بوده است. بطور کلی نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که کارشناسان مالی در کمیته حسابرسی تمایل دارند نقش مشاور را برای مدافعان و نقش نظارتی را برای شرکت‌های آینده نگر داشته باشند.

رابینسون و همکاران (۲۰۱۲)، در تحقیقی تاثیر تخصص مالی کمیته حسابرسی را بر اجتناب مالیات از نظر سطح کلی اجتناب مالیات و بکارگیری از راهبردهای اجتناب مالیات غیرقطعی/ریسکی مورد بررسی قرار داده است. آن‌ها رابطه مثبتی

<sup>1</sup> Blue Ribbon Committee on Improving the Effectiveness of Corporate Audit Committees

<sup>2</sup> Public Oversight Board

<sup>3</sup> Sarbanes-Oxley Act

<sup>4</sup> Dhaliwal et al

<sup>5</sup> Hsu, et al.

بین سطوح تخصص مالی خاص حسابداری در کمیته حسابرسی و سطوح اجتناب مالیات، اما رابط همفنی بین سطوح تخصص مالی خاص تخصصی در کمیته حسابرسی و تمایل به راهبردهای برنامه ریزی ریسکی را یافته اند. این نتایج نشان می‌دهد که تخصص مالی در کمیته حسابرسی نقش مشاوره با توجه به برنامه ریزی مالیات، و نقش نظارتی با توجه به سطح ریسک شرکت‌ها در فرآیند برنامه ریزی مالیات، ایفا می‌کند.

هگینز و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهشی با استفاده از چهارچوب نظری راهبرد تجاری مایلز و اسنو (۱۹۷۸، ۲۰۰۳)، "ارتباط بین راهبردهای شرکت‌های تجاری و راهبردهای برنامه‌ریزی مالیات" را بررسی نمودند. ابتدا بررسی شد که آیا راهبرد یک شرکت تجاری با سطح اجتناب از مالیات ارتباط دارد یا خیر. سپس، ارتباط بین راهبرد تجاری شرکت و میزانی که ماهیت برنامه‌ریزی مالیات آن می‌تواند تحمیل به حساب بیاید (یعنی سطح عدم قطعیت درآمد مرتبط با کاهش مالیات). نتایج حاصل از تحقیق نشان داد ارتباط معنی داری بین راهبرد تجاری شرکت‌ها و راهبردهای برنامه‌ریزی مالیاتی آن‌ها وجود دارد.

### پیشینه فارسی

مشایخی و علی پناه (۱۳۹۴)، در پژوهشی، به بررسی تاثیر راهبری شرکتی بر رابطه‌ی بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از وجود رابطه مثبت یا به بیانی دیگر تایید تئوری ارزش آفرینی در رابطه بین فعالیت‌های اجتناب از مالیات و ارزش شرکت است. در ادامه بعد از دسته بندی کردن سال-شرکت‌های نمونه به گروه راهبری شرکتی خوب و گروه راهبری شرکتی بد، با استفاده از رگرسیون بخشی (قطعه ای)، اثر راهبری شرکتی بر رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد که با بهبود کیفیت ساختار راهبری شرکتی، تاثیر مثبت فعالیت‌های اجتناب از مالیات بر ارزش شرکت بیشتر می‌شود.

عرب صالحی و هاشمی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان "تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی" پرداختند. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، به بررسی ۷۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ پرداخته شد. همچنین آزمون فرضیه‌های پژوهش به کمک الگوی رگرسیون چندمتغیره و شیوه داده‌های ترکیبی انجام گرفت. نتایج حاصل از برآورد مدل پژوهش گویای آن است که اثر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی، مثبت و معنادار است. به بیان دیگر، اطمینان بیش از حد به مدیران ارشد سبب افزایش اجتناب مالیاتی در فرایند گزارشگری مالی می‌شود.

خانی و همکاران (۱۳۹۲)، به بررسی "رابطه‌ی بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت" پرداختند. تخصص حسابرس در صنعت به سه دسته، شامل تخصص مالیاتی، تخصص حسابرسی صورت‌های مالی و کلی (ترکیب تخصص مالیاتی و حسابرسی صورت‌های مالی) تقسیم شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت، ارتباط معناداری وجود دارد.

### روش تحقیق

دستیابی به اهداف علم یا شناخت علمی در صورتی میسر می‌شود که با روش‌شناسی درست همراه باشد. منظور از روش، مجموعه ابزار و تدابیری است که حصول به هدف نهایی و مطلوب را آسان می‌سازد. هدف از انجام هر تحقیق، کشف واقعیت است. واقعیت با کاوش و روشنگری روابط منطقی مربوط به ویژگی‌های اجزای موضوع تحقیق حاصل می‌شود. بنابراین، هر پژوهشگری پس از تعیین موضوع تحقیق باید به‌گزینش روش تحقیق بپردازد. روش تحقیق، پیروی از رویه‌های منظمی است که در جریان استفاده از شیوه‌های آماری و مرتبط ساختن عوامل موضوع تحقیق باید رعایت گردد. یک

تحقیق زمانی علمی محسوب می‌شود که به صورت منطقی و منظم نسبت به مشکل گشایی و پیگیری گام به گام در جهت شناسایی مشکلات، گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل آن‌ها و در نهایت استنتاج معتبر، پاسخگو باشد. از این رو تحقیق علمی صرفاً بر تجربه یا برداشت‌های شخصی و درک مستقیم مبتنی نیست، بلکه هدفمند و دقیق عمل می‌نماید (صائبی و شیرازی، ۱۳۹۱).

## مدل های رگرسیونی تحقیق

مدل ۱:

$$\text{TaxPlanning}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{FEDIR}_{it} + \alpha_2 \text{BSIZE}_{it} + \alpha_3 \text{OUTDIR}_{it} + \alpha_4 \text{ACSIZE}_{it} + \alpha_5 \text{NDAUD}_{it} + \alpha_6 \text{SIZE}_{it} + \alpha_7 \text{ROA}_{it} + \alpha_9 \text{R\&D}_{it} + \alpha_{10} \text{CAPITAL}_{it} + \alpha_{11} \text{LEVERAGE}_{it} + \alpha_{12} \text{INTANG}_{it} + \alpha_{13} \text{PPNE}_{it} + \alpha_{14} \text{DACC}_{it} + \alpha_{15} \text{CEOCOMP}_{it} + \alpha_{16} \text{PRETAXCF}_{it} + \alpha_{17} \text{FOROP}_{it} + \alpha_{18} \text{NOL}_{it} + \alpha_{19} \text{INDUSTRY}_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل ۲:

$$\text{TaxPlanning}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{FEDIR}_{it} + \alpha_2 \text{STRATEGY}_{it} + \alpha_3 \text{FEDIR}_{it} * \text{STRATEGY}_{it} + \alpha_4 \text{BSIZE}_{it} + \alpha_5 \text{OUTDIR}_{it} + \alpha_6 \text{ACSIZE}_{it} + \alpha_7 \text{NDAUD}_{it} + \alpha_8 \text{SIZE}_{it} + \alpha_9 \text{ROA}_{it} + \alpha_{10} \text{R\&D}_{it} + \alpha_{11} \text{CAPITAL}_{it} + \alpha_{12} \text{LEVERAGE}_{it} + \alpha_{13} \text{INTANG}_{it} + \alpha_{14} \text{PPNE}_{it} + \alpha_{15} \text{DACC}_{it} + \alpha_{16} \text{CEOCOMP}_{it} + \alpha_{17} \text{PRETAXCF}_{it} + \alpha_{18} \text{FOROP}_{it} + \alpha_{19} \text{NOL}_{it} + \alpha_{20} \text{INDUSTRY}_{it} + \varepsilon_{it}$$

## متغیر وابسته

TaxPlanning: عبارت است از پرهیز مالیاتی که از باقی مانده مدل رگرسیونی زیر محاسبه می‌گردد.

$$\text{BTD/ASSET}_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 \text{TA/ASSET}_{i,t-1} + \varepsilon_{it}$$

BTD: عبارت است از تفاوت دفتری مالیات که بدین صورت محاسبه می‌شود از تفاوت درآمد مشمول مالیات اظهارنامه ای شرکت  $i$  در سال  $t$  با درآمد مالیاتی، تقسیم بر کل دارایی های شرکت  $i$  ابتدای دوره  $t$  در این محاسبه درآمد مالیاتی نیز از تقسیم هزینه مالیات تشخیصی قطعی توسط اداره دارایی بر نرخ مالیات به دست می‌آید.

ASSET: ارزش دفتری کل دارایی ها شرکت  $i$  در سال  $t-1$ ؛

TA: عبارت است از کل ارقام تعهدی شرکت که از تفاوت سود خالص و جریان وجه نقدی عملیاتی شرکت محاسبه می‌شود.

## متغیر مستقل

FEDIR: دانش مالی اعضاء کمیته حسابرسی: یک متغیر مجازی است اگر شرکت  $i$  در سال  $t$  در کمیته حسابرسی خود تمامی اعضا متخصص در امور مالی باشند مقدار آن یک در غیر این صورت مقدار آن صفر در نظر گرفته می‌شود.

## متغیر تعدیل کننده

STRATEGY: اگر شرکت دارای راهبردهای آینده نگرانه باشد مقدار آن یک و اگر شرکت دارای راهبردهای مدافعانه باشد مقدار آن صفر در نظر گرفته می‌شود. در متغیر راهبردهای شرکت از شش شاخص حسابداری جهت تعیین راهبردها استفاده شده است. این معیار از راهبردهای شرکت مبتنی بر گونه شناسی سازمانی مایلز و همکاران (۱۹۷۸)، می‌باشد که



در مطالعات قبلی و در ادبیات حسابداری توسط ایتنر<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۹۷)، بنتلی و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۳)، و هیگینز و همکاران (۲۰۱۵)، استفاده شده است. شرکت‌هایی که دارای سطح بالایی از این متغیرها باشد آینده نگرانه و سایر شرکت‌ها مدافعانه هستند متغیر به صورت زیر می‌باشند:

- ✓ نسبت تحقیق و توسعه به فروش شرکت i در سال t.
- ✓ نسبت کارکنان به فروش شرکت i در سال t.
- ✓ درصد رشد فروش شرکت i در سال t.
- ✓ نسبت هزینه عمومی واداری به فروش شرکت i در سال t.
- ✓ نسبت ماشین آلات و تجهیزات به کل ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در سال t.
- ✓ نسبت تغییرات کارکنان از سال جاری به سال قبل شرکت i.

برای اندازه گیری به این صورت عمل می‌گردد متغیرهای اشاره شده در بالا از اطلاعاتی که در صورت‌های مالی استخراج می‌گردند در گام بعدی از هر یک از شش نسبت بدست آمده چارک گرفته می‌شود. به شرکت‌هایی که در چارک اول (بالاترین چارک) قرار دارند امتیاز یک در چارک دوم امتیاز دو و الی آخر تعلق می‌گیرد (مقادیر نسبت ها در چارک ها از بالا به پایین کم می‌شوند). سپس امتیاز مربوط به هر نسبت جمع و عدد بدست آمده برای هر شرکت بین ۶ تا ۲۴ می‌باشد. سپس از بر اساس رتبه بدست آمده و به کمک شاخص میانه شرکت‌هایی که دارای امتیاز بالاتری از سطح میانه هستند آینده نگرانه و شرکت‌هایی که دارای امتیاز کمتری از سطح میانه مدافعانه به حساب می‌آیند.

### متغیرهای کنترلی

- BSIZE: تعداد اعضای هیات مدیره شرکت
- OUTDIR: استقلال هیات مدیره شرکت
- ACSIZE: تعداد اعضای کمیته حسابرسی شرکت
- NDAUD: متغیر مجازی اگر تمامی اعضای کمیته حسابرسی مستقل باشند مقدار آن یک در نظر گرفته شود.
- SIZE: اندازه شرکت از لگاریتم طبیعی کل دارایی ها شرکت محاسبه می‌شود.
- ROA: بازده دارایی ها از نسبت سود خالص قبل از بهره و مالیات به کل دارایی ها
- R&D: نسبت هزینه های تحقیق و توسعه به فروش شرکت
- CAPITAL: مخارج سرمایه شرکت
- LEVERAGE: اهرم مالی شرکت که از طریق تقسیم بدهی ها به دارایی ها محاسبه شده است.
- INTANG: نسبت دارایی های نامشهود به کل دارایی ها
- PPNE: نسبت دارایی های ثابت به کل دارایی ها
- DACC: اقلام تعهدی اختیاری شرکت
- CEOCOMP: پاداش مدیریت به کل دارایی ها
- PRETAXCF: جریان نقدی فعالیت های عملیاتی به اضافه مالیات پرداخت شده، تقسیم بر کل دارایی ها
- FOROP: متغیر مجازی اگر شرکت فروش خارجی داشته باشد مقدار آن یک در نظر گرفته شود.
- NOL: متغیر مجازی اگر شرکت هزینه مالیات نداشته باشد مقدار آن یک در نظر گرفته شود.

<sup>1</sup> Ittner

<sup>2</sup> Bentley, et al.

## آزمون‌های تشخیصی در نوع داده‌ها

**آمار توصیفی:** ابتدا با آزمون توصیفی، توزیع متغیرها را با سه شاخص مرکزی، پراکندگی و توزیع در جامعه مورد بررسی و تحلیل می‌شود.

**آمار استنباطی:** برای بررسی رابطه بین متغیرها از رگرسیون استفاده می‌کنیم در حقیقت تحلیل رگرسیونی فن و تکنیکی آماری برای بررسی و مدل‌سازی ارتباط بین متغیرها است. می‌توان گفت تحلیل رگرسیونی، پرکاربردترین روش در بین تکنیک‌های آماری است.

داده‌ها و مشاهدات متغیرهای موجود در یک مدل به‌طور معمول در سه نوع مختلف می‌تواند وجود داشته باشد: داده‌های سری زمانی، داده‌های مقطع زمانی و داده‌های تلفیقی. داده‌های سری زمانی، مقادیر یک متغیر را در نقاط متوالی در زمان، اندازه‌گیری می‌کند. این توالی می‌تواند سالانه، فصلی، ماهانه، هفتگی یا حتی به صورت پیوسته باشد. داده‌های مقطع زمانی، مقادیر یک متغیر را در زمان معین و روی واحدهای متعدد اندازه‌گیری می‌کند. این واحدها می‌توانند افراد، خانوارها، واحدهای تولیدی، صنایع، نواحی مختلف و حتی کشورهای مختلف باشند. داده‌های تلفیقی در واقع بیان‌کننده داده‌های مقطعی در طی زمان هستند. بنابراین حجم مشاهدات در داده‌های تلفیقی نسبتاً زیاد است. داده‌های این تحقیق به کمک Excel طبقه‌بندی و به کمک نرم‌افزار R مورد تحلیل واقع خواهد شد. برای برآورد مدل تحقیق از روش رگرسیون ترکیبی استفاده می‌شود.

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

### آمار توصیفی

موضوع آمار توصیفی، تنظیم و طبقه‌بندی داده‌ها، نمایش ترسیمی و محاسبه مقادیری از قبیل نما، میانگین، میانه و غیره می‌باشد که حاکی از مشخصات یکایک اعضای جامعه مورد بحث است. در آمار توصیفی اطلاعات حاصل از یک گروه، همان گروه را توصیف می‌کند و اطلاعات به دست آمده به دسته‌های مشابه تعمیم داده نمی‌شود. در جدول (۴-۱) آمار توصیفی متغیرهای تحقیق بیان شده است: با توجه به نمونه‌گیری انجام شده تعداد ۱۹۰ شرکت به عنوان شرکت‌های نمونه‌ای آماری انتخاب شدند که داده‌های آن‌ها طی دوره ۱۰ ساله (۱۳۴۲ الی ۱۴۰۱) مورد بررسی قرار گرفت. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه گردیده است.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای کیفی تحقیق

ردیف	نماد متغیر	مقیاس	تعداد مشاهدات یک	درصد فراوانی مشاهدات یک	تعداد مشاهدات	درصد فراوانی مشاهدات
۱	NOL	مجازی	۴۳۵	۲۲/۹۰	۱۴۶۵	۷۷/۱۰
۲	FOROP	مجازی	۱۲۶۷	۶۶/۶۹	۶۳۳	۳۳/۳۱
۳	FEDIR	مجازی	۱۳۷۹	۷۲/۵۷	۵۲۱	۲۷/۴۳
۴	NDAUD	مجازی	۷۲۰	۳۷/۸۹	۱۱۸۰	۶۲/۱۱

تحلیل توصیفی، اطلاعات مفیدی را در خصوص توزیع داده‌های جمع‌آوری شده و متغیرهای محاسبه شده در اختیار محقق قرار می‌دهد. نتایج ارائه شده در جدول ۱ نشان می‌دهد که حداقل و حداکثر متغیرها بالاترین و کمترین داده موجود در داده‌های جمع‌آوری شده از سطح شرکت را نشان می‌دهند. در آمار توصیفی شاخصه اندازه‌گیری پارامتر مشخص کردن انحراف از قرینگی، ضریب چولگی است. منفی بودن چولگی نشان‌دهنده آن است که توزیع نامتقارن با کشیدگی به سمت مقادیر کوچک‌تر (چولگی منفی) دارد. مثبت بودن چولگی در سایر متغیرهای پژوهش نشان‌دهنده آن است که توزیع

نامتقارن با کشیدگی به سمت مقادیر بزرگتر (چولگی مثبت) دارد. شاخص سنجش پراکندگی جامعه نسبت به توزیع نرمال، ضریب کشیدگی نام دارد. منفی بودن ضریب کشیدگی حاکی از آن است که متغیرهای تحقیق کوتاه‌تر از توزیع عادی هستند، بنابراین توزیع بیشتر از توزیع عادی است. ضریب مثبت ضریب کشش در سایر متغیرهای تحقیق حاکی از آن است که متغیرهای تحقیق بالاتر از توزیع عادی جمعیت هستند و بنابراین توزیع کمتر از توزیع عادی است.

## آزمون فرضیه های تحقیق بررسی مدل اول تحقیق

به منظور آزمون فرضیه اول تحقیق از مدل رگرسیونی زیر استفاده می‌شود. پس از تایید مدل آثار ثابت با استفاده از تکنیک پانل تعمیم یافته با توجه به آزمون‌های انجام شده، مدل رگرسیونی مورد نظر برآورد می‌شود. رگرسیون مدل فوق را ارائه نموده است.

برآورد مدل رگرسیونی با استفاده از روش پانل آثار ثابت تعمیم یافته				
$TaxPlanning_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 FEDIR_{it} + \alpha_2 BSIZE_{it} + \alpha_3 OUTDIR_{it} + \alpha_4 ACSIZE_{it} + \alpha_5 NDAUD_{it} + \alpha_6 SIZE_{it} + \alpha_7 ROA_{it} + \alpha_9 R\&D_{it} + \alpha_{10} CAPITAL_{it} + \alpha_{11} LEVERAGE_{it} + \alpha_{12} INTANG_{it} + \alpha_{13} PPNE_{it} + \alpha_{14} DACC_{it} + \alpha_{15} CEOCOMP_{it} + \alpha_{16} PRETAXCF_{it} + \alpha_{17} FOROP_{it} + \alpha_{18} NOL_{it} + \alpha_{19} INDUSTRY + \varepsilon_{it}$				
مقدار احتمال	آماره t	انحراف معیار	ضریب بتا (β)	نام متغیر
۰.۰۰۴	۲.۸۶۹	۰.۶۵۷	۱.۸۸۵	(مقدار ثابت معادله) C
۰.۰۰۰	-۴.۴۷۵	۰.۰۳۱	-۰.۱۳۹	FEDIR
۰.۴۸۲	-۰.۷۰۳	۰.۰۹۳	-۰.۰۶۵	BSIZE
۰.۰۶۸	-۱.۸۲۴	۰.۱۲۲	-۰.۲۲۳	OUTDIR
۰.۹۶۸	۰.۰۴۰	۰.۰۲۸	۰.۰۰۱	ACSIZE
۰.۷۴۲	۰.۳۲۹	۰.۰۸۷	۰.۰۲۹	NDAUD
۰.۰۰۰	-۴.۵۶۶	۰.۰۳۱	-۰.۱۴۰	SIZE
۰.۰۰۰	۵.۱۱۷	۰.۳۰۱	۱.۵۴۲	ROA
۰.۱۹۴	-۱.۳۰۰	۲۳.۷۱۵	-۳۰.۸۳۵	R&D
۰.۰۵۹	۱.۸۸۸	۰.۱۸۱	۰.۳۴۳	CAPITAL
۰.۳۶۵	-۰.۹۰۶	۰.۱۴۴	-۰.۱۳۱	LEVERAGE
۰.۰۴۴	۲.۰۱۹	۲.۸۷۰	۵.۷۹۳	INTANG
۰.۶۶۶	۰.۴۳۲	۰.۲۱۳	۰.۰۹۲	PPNE
۰.۳۱۳	-۱.۰۰۹	۰.۰۵۶	-۰.۰۵۶	DACC
۰.۹۳۹	۰.۰۷۷	۵.۸۲۵	۰.۴۴۹	CEOCOMP
۰.۰۰۰	۴.۳۲۸	۰.۴۹۰	۲.۱۲۱	PRETAXCF
۰.۲۵۱	۱.۱۴۷	۰.۰۸۵	۰.۰۹۷	FOROP
۰.۰۱۲	-۲.۵۱۵	۰.۰۷۰	-۰.۱۷۷	NOL
منبع: محاسبات محقق				

### آزمون فرضیه اول تحقیق

همان گونه که در فصل سوم تشریح شد. فرضیه اول تحقیق بیان می کند:  
فرضیه ۱: بین دانش مالی کمیته حسابرسی و پرهیز مالیاتی رابطه معنی داری وجود دارد.  
بیان آماری این فرضیه به شکل زیر است:

✓ بین دانش مالی کمیته حسابرسی و پرهیز مالیاتی رابطه معنی داری وجود دارد.  $H_0$

✓ بین دانش مالی کمیته حسابرسی و پرهیز مالیاتی رابطه معنی داری وجود ندارد.  $H_1$

جدول فوق برآورد رگرسیون مدل رگرسیون فرضیه اول را ارائه نموده است. نتایج نشان داد بین دانش مالی کمیته حسابرسی با ضریب (۰/۰۹۸) و پرهیز مالیاتی در سطح خطای مورد انتظار پنج صدم درصد (p: ۰/۰۰۸) ارتباط معناداری وجود دارد. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه صفر مورد پذیرش واقع شده است و می توان ادعا نمود فرضیه اول تحقیق مورد پذیرش واقع می گردد.

### بررسی مدل دوم تحقیق

برآورد مدل رگرسیونی با استفاده از روش پانل آثار ثابت تعمیم یافته				
$TaxPlanning_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 FEDIR_{it} + \alpha_2 STRATEGY_{it} + \alpha_3 FEDIR_{it} * STRATEGY_{it} + \alpha_4 BSIZE_{it} + \alpha_5 OUTDIR_{it} + \alpha_6 ACSIZE_{it} + \alpha_7 NDAUD_{it} + \alpha_8 SIZE_{it} + \alpha_9 ROA_{it} + \alpha_{10} R\&D_{it} + \alpha_{11} CAPITAL_{it} + \alpha_{12} LEVERAGE_{it} + \alpha_{13} INTANG_{it} + \alpha_{14} PPNE_{it} + \alpha_{15} DACC_{it} + \alpha_{16} CEOCOMP_{it} + \alpha_{17} PRETAXCF_{it} + \alpha_{18} FOROP_{it} + \alpha_{19} NOL_{it} + \alpha_{20} INDUSTRY + \varepsilon_{it}$				
مقدار احتمال	آماره t	انحراف معیار	ضریب بتا ( $\beta$ )	نام متغیر
۰.۰۰۶	۲.۷۵۰	۰.۶۵۷	۱.۸۰۷	C (مقدار ثابت معادله)
۰.۰۱۸	-۲.۳۶۲	۰.۰۷۱	-۰.۱۶۸	FEDIR
۰.۰۰۰	-۴.۲۸۹	۰.۰۳۱	-۰.۱۳۴	STRATEGY
۰.۰۴۰	-۲.۰۶۰	۰.۱۳۴	-۰.۲۷۷	STRATEGY* FEDIR
۰.۵۱۰	-۰.۶۵۹	۰.۰۹۲	-۰.۰۶۱	BSIZE
۰.۰۹۳	-۱.۶۸۰	۰.۱۲۲	-۰.۲۰۵	OUTDIR
۰.۹۸۵	۰.۰۱۹	۰.۰۲۸	۰.۰۰۱	ACSIZE
۰.۷۵۶	۰.۳۱۱	۰.۰۸۶	۰.۰۲۷	NDAUD
۰.۰۰۰	-۴.۳۹۹	۰.۰۳۱	-۰.۱۳۵	SIZE
۰.۰۰۰	۵.۰۷۳	۰.۳۰۰	۱.۵۲۴	ROA
۰.۱۸۰	-۱.۳۴۰	۲۳.۶۲۰	-۳۱.۶۴۰	R&D
۰.۰۶۴	۱.۸۵۴	۰.۱۸۱	۰.۳۳۵	CAPITAL
۰.۳۹۵	-۰.۸۵۱	۰.۱۴۴	-۰.۱۲۳	LEVERAGE
۰.۰۵۱	۱.۹۵۲	۲.۸۶۳	۵.۵۸۹	INTANG
۰.۵۸۰	۰.۵۵۴	۰.۲۱۳	۰.۱۱۸	PPNE
۰.۲۸۸	-۱.۰۶۳	۰.۰۵۶	-۰.۰۵۹	DACC
۰.۹۳۷	۰.۰۸۰	۵.۷۹۸	۰.۴۶۱	CEOCOMP

۰.۰۰۰	۴.۲۳۲	۰.۴۹۰	۲.۰۷۴	PRETAXCF
۰.۳۵۴۳۴	۰.۹۲۶	۸.۴۷E-۰۲	۷.۸۴E-۰۲	FOROP
۰.۰۱۶۲۲	-۲.۴۰۴	۷.۰۲E-۰۲	-۱.۶۹E-۰۱	NOL
منبع: محاسبات محقق				

## آزمون فرضیه دوم تحقیق

همان گونه که تشریح شد فرضیه دوم تحقیق بیان می کند:

فرضیه ۲: راهبردهای شرکت در رابطه بین دانش مالی کمیته حسابرسی و پرهیز مالیاتی تاثیر معنی داری دارد. بیان آماری این فرضیه به شکل زیر است:

✓ راهبردهای شرکت در رابطه بین دانش مالی کمیته حسابرسی و پرهیز مالیاتی تاثیر معنی داری دارد.  $H_0$

✓ راهبردهای شرکت در رابطه بین دانش مالی کمیته حسابرسی و پرهیز مالیاتی تاثیر معنی داری ندارد.  $H_1$

پس از تایید مدل آثار ثابت با توجه به آزمون‌های انجام شده، مدل دوم رگرسیونی مورد نظر برآورد شد. جدول فوق برآورد رگرسیون مدل را ارائه نموده است. نتایج نشان داد بین برهمکنش راهبردهای شرکت با دانش مالی کمیته حسابرسی با ضریب (-۰/۱۴۶) و پرهیز مالیاتی در سطح خطای مورد انتظار پنج صدم درصد ( $p: ۰/۰۰۰$ ) ارتباط معناداری وجود دارد. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرضیه صفر مورد پذیرش واقع شده است و می توان ادعا نمود فرضیه دوم تحقیق مورد پذیرش واقع می گردد.

## خلاصه‌ی نتایج آزمون فرضیه

ردیف	خلاصه فرضیه	معنی داری	نتیجه
۱	بین دانش مالی کمیته حسابرسی و پرهیز مالیاتی رابطه معنی داری وجود دارد	$p: ۰/۰۰۸$	پذیرش
۲	راهبردهای شرکت در رابطه بین دانش مالی کمیته حسابرسی و پرهیز مالیاتی تاثیر معنی داری دارد	$p: ۰/۰۰۰$	پذیرش

## نتیجه گیری و پیشنهادها

در فرایند هر پژوهش، نتایج آن اهمیت بسزایی دارد، چراکه نتیجه گیری‌ها می‌تواند مبنایی برای رفع مشکلات موجود و یا بهبود وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب باشد. در این فصل ابتدا تحلیلی از نتایج آزمون‌ها صورت می‌گیرد و در پایان، قبل از بیان برخی از محدودیت‌های پژوهش، پیشنهادهایی ارائه می‌گردد که امید است در ادامه راه تحقیقاتی مالی مفید واقع شود. در این فصل نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق ارائه و نتایج مزبور بر اساس مبانی نظری تحقیق تشریح و تفسیر می‌شوند. همچنین، این یافته‌ها با نتایج تحقیقات پیشین مقایسه می‌شوند. در پایان فصل، پیشنهادهای کاربردی با توجه به یافته‌های تحقیق و نیز پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی مرتبط ارائه شده است.

## بحث و نتیجه گیری

به بررسی این موضوع پرداخته شد که آیا اعضاء کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی، روش خود را متناسب با نظارت فرآیند برنامه ریزی مالیات شرکتی طبق استراتژی کسب و کار شرکت قرار می‌دهند. بخصوص میزان اجرای نقش‌های دوگانه مدیران بعنوان مشاور و ناظر (محققان ۲۰۰۷) را با توجه تفاوت اجتناب مالیاتی در میان انواع مختلف استراتژی کسب و کار مورد بررسی قرار می‌دهیم. پیشینه



تحقیق مدیریت نشان می‌دهد که مدیرانی که در کمیته‌های مختلف ایفای نقش می‌کنند، تخصص خود را با درک استراتژی شرکت در مسائل نظارتی حوزه کمیته تلفیق می‌نمایند (محققان ۱۹۸۹). استدلال می‌کنیم که این یکپارچگی در اعضاء کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی پیرامون مسائل محدوده نظارت کمیته حسابرسی نظیر برنامه ریزی مالیات اعمال می‌شود، طوری که آن‌ها عامل استراتژی کسب و کار در توصیه و قضاوت مربوط به این مسائل می‌باشند.

به دنبال محققان (۱۹۷۸)، و محققان (۲۰۱۵)، شرکت‌ها را به سه نوع استراتژی تقسیم می‌کنیم که ما اساساً بر نوع مدافعان (ریسک‌گریزتر) و نوع آینده‌نگران (ریسک‌پذیرتر) تمرکز می‌کنیم. تحقیقات پیشین نشان می‌دهند که مدیران از نوع مدافع از فرصت‌های اجتناب مالیات که می‌تواند به نفع سهامداران باشد چشم‌پوشی می‌کنند، درحالی‌که مدیران آینده‌نگر نسبت به رفتار برنامه ریزی مالیات متهورانه عمل می‌کنند، که عدم قطعیت یا ریسکی بودن را شامل می‌شود (محققان ۲۰۱۵). با توسعه شواهد پیشین (محققان ۲۰۱۲)، انتظار داریم که اعضاء کمیته حسابرسی دارای تخصص مالی (کارشناس مالی) ظرفیت مشاوره‌ای خود را در فرآیند برنامه ریزی برای مدافعان و ظرفیت نظارتی خود را در فرآیند برنامه ریزی مالیات برای آینده‌نگران اعمال کنند.

نتایج ما سازگار با پیش‌بینی مان می‌باشد. ما رابطه مثبتی بین نسبت کارشناسان مالی مستقل در کمیته حسابرسی و اجتناب مالیات برای مدافعان، حداقل با توجه به برنامه ریزی مالیات نقدی، یافته‌ایم. همچنین رابطه منفی بین نسبت کارشناسان مال‌مستقل در کمیته حسابرسی و اجتناب مالیات برای آینده‌نگران یافته‌ایم. نتایج آزمون‌های مکمل نشان می‌دهند که کارشناسان مالی حسابداری و غیرحسابداری در کمیته حسابرسی سهم زیادی در یافته‌های اصلی ما داشته‌اند، گرچه اثرات کارشناسان مالی غیرحسابداری در میان تحلیل‌هایمان سازگار تر بوده است.

بطور کلی نتایج ما نشان می‌دهد که اعضاء کمیته حسابرسی کارشناس مالی نقش مشاوره برای شرکت‌های مدافع و نقش ناظر برای شرکت‌های آینده‌نگر پیرامون برنامه ریزی مالیات ایفا می‌کنند. این یافته‌ها بر اساس مطالعات پیشین نشان می‌دهد که اعضاء کمیته حسابرسی کارشناس مالی شیوه اعمال نقش‌های نظارتی و مشاوره‌ای را پیرامون مسائل برنامه ریزی مالیات بر اساس استراتژی کسب و کار شرکت، تغییر می‌دهند. در نتیجه مطالعه ما به درک بیشتر نحوه نظارت اعضاء هیئت مدیره بر فرآیند برنامه ریزی مالیات کمک کرده است. شواهد ما همچنین محققان (۲۰۱۵)، را توسعه می‌دهد، زیرا ثابت می‌کنیم که مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بخصوص بر تصمیم‌گیری مدیریت با توجه به انواع استراتژی کسب و کار، تاثیر متفاوتی دارد. یک برداشت بالقوه از یافته‌هایمان این است که مطالعات آینده‌ای که قصد بررسی تاثیر ویژگی‌های هیئت مدیره را بر رفتار گزارشگری یا عملیاتی شرکت‌ها دارند، باید استراتژی کسب و کار را در تحلیل‌های خود لحاظ نمایند.

### پیشنهاد‌های کاربردی

پیشنهاد‌های کاربردی این تحقیق در راستای فرضیه تبیین و آزمون شده به شرح زیر می‌باشند:  
بنابراین به سرمایه‌گذاران، بانک‌ها، دولت، حساب‌رسان، مدیران و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات و مالی پیشنهاد می‌شود برای ارزیابی برنامه ریزی مالیاتی شرکت‌ها و تصمیم‌گیری نسبت به خرید یا فروش سهام شرکت‌ها، اعطای وام و بررسی فعالیت‌های آنها، تخصص مالی اعضاء کمیته حسابرسی شرکت و همچنین، نوع استراتژی انتخابی شرکت را در کنار سایر معیارها مدنظر قرار دهند.

### منابع

✓ ابراهیمی، بلال، فلاح، علی، (۱۳۹۶)، شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر بر فرار مالیاتی، چهارمین همایش بین المللی مدیریت، اقتصاد و توسعه، تهران.

- ✓ احمدی موسوی، سیدمهدی، صالح ولیدی، محمد، علی، نجفی توانا، (۱۳۹۵)، آسیب شناسی نظام مالیاتی ایران و بین عوامل مؤثر در بروز آسیب ها، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۰، شماره ۳۶، صص ۵-۱۰.
- ✓ اعرابی، سید محمد، (۱۳۸۲)، طراحی ساختار سازمانی، تهران، پژوهش های فرهنگی.
- ✓ جعفری صمیمی، احمد، حمزه ای، علی اکبر، (۱۳۸۴)، بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی: مطالعه موردی صنف طلا فروشان استان مازندران، پژوهش ها و سیاست های اقتصادی، دوره ۱، شماره ۳۴، صص ۳-۲۰.
- ✓ حساس یگانه، یحیی، گل محمدی شورکی، مجتبی، (۱۳۹۰)، رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و ویژگی های شرکت ها، پژوهشنامه مالیات، دوره ۱۲، شماره ۶۰، صص ۲۳۹-۲۶۳.
- ✓ خانی، عبدالله، ایمانی، کریم، ملایی، مهنام، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۵۱، صص ۱-۲۵.
- ✓ خدای پور، احمد، امینی نیا، میثم، (۱۳۹۲)، بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی و تاثیر مالکیت نهادی بر این رابطه، فصلنامه پژوهشنامه مالیات، دوره ۲۰، شماره ۱۹، صص ۱۳۵-۱۵۵.
- ✓ رهنمای رودپشتی، فریدون، دیبانتی دیلمی، زهرا، فخاری، فاطمه السادات، (۱۳۹۶)، نرخ مؤثر مالیاتی نقدی معیار سنجش اجتناب مالیاتی یا مدیریت سود افزایشی، پژوهش های تجربی حسابداری، دوره ۷، شماره ۲، صص ۹۳-۱۱۶.
- ✓ شبیانی تدرجی، عباس، خدای پور، احمد، (۱۳۹۷)، بررسی نقش تعدیلی مدیریت سود واقعی بر ارتباط بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، مجله علمی پژوهشی دانش حسابداری شماره ۹، دوره ۲، صص ۱۰۳-۱۲۹.
- ✓ عرب صالحی، مهدی، هاشمی، مجید، (۱۳۹۴)، تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۸۵-۱۰۴.
- ✓ مشایخی، بیتا، علی پناه، صبری، (۱۳۹۴)، تاثیر راهبردی شرکتی بر رابطه ی بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۷۰-۵۵.
- ✓ مکیان، سید نظام الدین، توکلیان، حسین، نجفی فراشاه، سیدمحمد صالح، (۱۳۹۸)، بررسی اثر شوک مالیات های مستقیم بر تولید ناخالص داخلی و تورم در ایران در چارچوب یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی، اقتصاد مالی، دوره ۱۳، شماره ۴۹، صص ۱-۴۶.
- ✓ نوروش، ایرج، ابراهیمی کردلر، علی، (۱۳۸۴)، بررسی وتبیین رابطه ترکیب سهامداران با تقارن اطلاعات و سودمندی معیارهای حسابداری عملکرد، بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۲، صص ۹۷-۱۲۴.
- ✓ هادیان، ابراهیم، تحویلی، علی، (۱۳۹۲)، شناسایی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران، فصلنامه علمی و پژوهشی برنامه ریزی و بودجه، دوره ۱۸، شماره ۲، صص ۳۹-۵۸.
- ✓ هانگر، جی دیوید، ویلن، توماس ال، (۱۳۸۴)، مبانی مدیریت استراتژیک، ترجمه سید محمد اعرابی و داوود ایزدی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی.
- ✓ Adams, R., and D. Ferreira. 2007. A theory of friendly boards. *Journal of Finance*, 62: 217-250.
- ✓ Armstrong, C; Jagolinzer, A; D. Larcker. (2012). "Chief Executive Officer Equity Incentives and Accounting Irregularities". *Journal of Accounting Research*, 48:225- 271.
- ✓ Armstrong, C., J.L. Blouin, A.D. Jagolinzer, and D.F. Larcker. 2015. Corporate governance, incentives, and tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60(1): 1-17.
- ✓ Armstrong, C.S. Blouin, J.L. Jagolinzer, A.D. Larcker, D.F. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60(1), 1-17.
- ✓ Balakrishnan K, Blouin JL, Guay WR (2018) Tax aggressiveness and corporate transparency. *Account Rev.* <https://doi.org/10.2308/accr-52130>

- ✓ Bankman, J (2004) An Academic's View of the Tax Shelter Battle. In: Aaron, H, Slemrod, J. (Eds.), the Crisis in Tax Administration. Brookings Institution, Washington, D.C.
- ✓ Barth, M.E., Cram, D.P. & Nelson, K.K. (2002). "Accruals and the Prediction of Future Cash Flows", Finance India, Vol. 16, No. 2, PP. 627-655.
- ✓ Beasley, M.S., & Petroni, K. (2001). Board independence and audit firm type. Auditing: A Journal of Practice & Theory, 20 (March): 97- 114.
- ✓ Bentley, K.A., T.C. Omer, and N.Y. Sharp. 2013. Business strategy, audit fees and financial reporting irregularities. Contemporary Accounting Research, 30 (2): 780-817.
- ✓ Biddle, G. & Hilary, G (2006), Accounting Quality and Firm-level Investment, The Accounting Review, 81.
- ✓ Blue Ribbon Committee on Improving the Effectiveness of Corporate Audit Committees.1999. Report and recommendations of the Blue Ribbon Committee on Improving the Effectiveness of Corporate Audit Committees. New York: New York Stock Exchange and the National Association of Securities Dealers.
- ✓ Bradbury, M.E. (1990). The incentives for voluntary audit committee formation. Journal of Accounting and Public Policy, 9(1), 19-36.
- ✓ Bushman, R. & Smith, A (2001), Financial Accounting Information and Corporate Governance, Journal of Accounting and Economics, 32.
- ✓ Carcello, J.V., & Neal, T.L. (2000). Audit committee composition and auditor reporting. The Accounting Review, 75, 453-467.
- ✓ Chan, K., P. Mo, and A. Zhou. 2013. Government ownership, corporate governance and tax aggressiveness: Evidence from China. Accounting and Finance, 53: 1029-1051.
- ✓ Christopher, A & Jeniffer, B & Jagolinzer, A. (2015). Corporate Governance, Incentives and tax avoidance. The journal of finance and economics'. No,32. PP,1-17.
- ✓ Cohen, J., Hoitash, U., Krishnamoorthy, G., & Wright, A. (2013). Audit committee industry expertise and financial reporting quality. Working paper. Boston College, Chestnut Hill, MA.
- ✓ Collier, P. (1993). Factors affecting the formation of audit committees in major UK listed companies. Accounting and Business Research, 23(91), 421-430.
- ✓ Collier, P., & Gregory, A. (1996). Audit committee effectiveness and the audit fee. European Accounting Review, 5, 177-198.
- ✓ Consuelo, P-M., and Fuentes, C. (2007). The Impact of Audit Committee Characteristics on the Enhancement. the Quality of Financial Reporting: Journal compilation, 15(6), 1394-1412
- ✓ Cook, K., W. Moser, and T. Omer. 2017. Tax avoidance and ex ante cost of capital. Journal of Business Finance & Accounting, 44 (7-8): 1109-1136.
- ✓ Deloitte LLP. 2014. Audit Committee Brief: What's on your agenda for 2015. Available at: <http://www.iasplus.com/en-us/publications/us/acb/2014/nov-dec>.
- ✓ Desai MA, Dharmapala D (2006) Corporate tax avoidance and high-power incentives. J Financ Econ 79:145-179
- ✓ Desai MA, Dharmapala D (2009a) Corporate tax avoidance and firm value. Rev Econ Stat 91:537-546
- ✓ Desai MA, Dyck A, Zingales L (2007) Theft and taxes. J Financ Econ 84:591-623
- ✓ Desai, M.A., & Dharmapala, D. (2009). Taxes, institutions and foreign diversification opportunities. Journal of Public Economics, 93, (5-6), 703-714.
- ✓ Desai, M.A., and D. Dharmapala. 2006. Corporate tax avoidance and high-powered incentives. Journal of Financial Economics, 79 (1): 145-179.
- ✓ DeZoort, F.T. (1997). An investigation of audit committees' oversight responsibilities, Abacus, 33(2), 208-27.
- ✓ DeZoort, F.T. and Salterio, S.E. (2001). The effects of corporate governance experience and financial-reporting and audit knowledge on audit committee members' judgment. Auditing: A Journal of Practice and Theory. 20 (2), 31-47.

- ✓ Dhaliwal, D., Heitzman, S & Li, O (2006). Taxes, Leverage, and the cost of equity capital " Journal of accounting research. No,44. PP,691-723.
- ✓ Dhaliwal, D.A.N., V.I.C. Naiker, and F. Navissi. 2010. The association between accruals quality and the characteristics of accounting experts and mix of expertise on audit committees. Contemporary Accounting Research, 27 (3): 787-827.

